

أسئلة الصحفي قاسم الزبيدي

مجموعه سوالات قاسم زبيدي روزنامه نگار مستقل



کتاب: جواب المنیر (پاسخ‌های روشن‌گرانه بر بستر امواج)، جلد ۲ - سوال / ۱۰۰

سید أحمد الحسن رحمته

وصی و رسول امام مهدی رحمته

۱۴۲۸ هـ. ق

متن و ترجمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السؤال / ۱۰۰: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

أما بعد، فهذه مجموعة من الأسئلة التي نرجو من سماحتكم الجواب عليها في أقرب فرصة؛ لأجل النشر في مقالة عن دعوة سماحتكم وجماعة أنصار المهدي (ع)، وقد أبدت عدد من الجرائد الأمريكية المعروفة كالنيويورك تايمز، والواشنطن بوست، ونيوزويك رغبتهم بنشر الموضوع ودمتم.

المُرسل زياد قاسم الزبيدي - صحفي مستقل

نيويورك - الولايات المتحدة

پرسش / ۱۰۰: سلام عليكم و رحمت الله و برکاته

اما بعد، مجموعه‌ای از سؤالات که امیدواریم حضرت تعالی در اسرع وقت پاسخ دهید تا در قالب مقاله‌ای در خصوص دعوت شما و جماعت انصار مهدی (علیه السلام) منتشر گردد. چندین روزنامه‌ی معروف آمریکایی مانند نیویورک تایمز، واشنگتن پست و نیوزویک تمایل خود را برای انتشار این موضوع اعلام کرده‌اند.^(۱) پایدار باشید.

فرستنده: زیاد قاسم الزبيدي - روزنامه‌نگار مستقل

نیویورک - ایالات متحده

س ۱: نرجو منكم التعريف بسماحتكم بصورة مختصرة لجمهور غربي.

ج: إسمي هو أحمد، كنت أعيش في مدينة البصرة في جنوب العراق، وأكملت دراستي الأكاديمية وحصلت على شهادة بكالوريوس في الهندسة المدنية، ثم انتقلت إلى النجف الأشرف وسكنت فيها لغرض دراسة العلوم الدينية، وبعد اطلاعي على الحلقات الدراسية والمنهج الدراسي في حوزة النجف وجدت أن التدريس متدنٍ (لا أقل بالنسبة لي أو بحسب رأيي)، كما وجدت أن في المنهج خللاً كبيراً، فهم يدرسون اللغة العربية والمنطق والفلسفة وأصول الفقه وعلم الكلام (العقائد) والفقه (الأحكام الشرعية)، ولكنهم أبداً لا يدرسون القرآن الكريم أو السنة الشريفة (أحاديث الرسول محمد (ص) والأئمة (ع))، وكذا فإنهم لا يدرسون الأخلاق الإلهية التي يجب أن يتحلّى بها المؤمن. ولذا قرّرت الاعتزال في داري ودراسة علومهم بنفسني دون الاستعانة بأحد، فقط كنت معهم وأواصل بعضهم ويواصلوني.

أما سبب التحاقني بالحوزة العلمية في النجف، فهو أنني رأيت رؤيا بالإمام المهدي (ع)، وأمرني فيها أن أذهب إلى الحوزة العلمية في النجف، وأخبرني في الرؤيا بما سيحصل لي، وحدث بالفعل كل ما أخبرني به في الرؤيا.

سوال ۱: از شما تقاضا داریم به طور مختصر خود را برای مردم غرب معرفی کنید.

^۱. این مجموعه سؤال و جوابها در روزنامه‌های معروف که در متن سؤال به آنها اشاره شد، چاپ شده است (نیویورک تایمز، واشنگتن پست و نیوزویک).

جواب: اسم احمد است و در شهر بصره در جنوب عراق زندگی می کردم. تحصیلات دانشگاهی خود را با مدرک لیسانس مهندسی عمران به پایان رسانیدم. سپس به نجف نقل مکان کردم و در آنجا با هدف تحصیل علوم دینی ساکن شدم. پس از شرکت در کلاس های درس و اطلاع از روش تدریس در حوزهی نجف، دیدم که تدریس در آنجا کم ارزش و بی محتوا است (حداقل برای من یا به نظر من). فهمیدم که نقص بزرگی در روش آنها وجود دارد؛ آنها زبان عربی، منطق و فلسفه، اصول فقه، علم کلام (عقاید) و فقه (احکام شرعی) را تدریس می کنند، ولی به هیچ عنوان قرآن کریم و همچنین سنت شریف (احادیث پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ و ائمه علیهم السلام) را مورد مطالعه قرار نمی دهند و همینطور اخلاق الهی را نیز تدریس نمی کنند؛ اخلاقی که هر مؤمنی باید به آن آراسته گردد. بنابراین گوشه نشینی در خانه ام را برگزیدم و بدون اینکه از کسی کمک بخواهم، علوم آنها را خودم به تنهایی خواندم؛ فقط با آنها در ارتباط بودم و با برخی از آنها مراوده داشتم و برخی از آنها نیز با من رفت و آمد می کردند.

اما علت رفتنم به حوزهی علمیهی نجف این بود که امام مهدی (علیه السلام) را در خواب دیدم و به من دستور داد که به حوزهی علمیهی نجف بروم و در خواب به من خبر داد که چه نتیجه ای به دست خواهم آورد و هر آنچه در رؤیا به من اطلاع داده شد بود، همه به واقعیت پیوست.

س ٢: ما هي الأهداف الرئيسية لدعوتكم ؟

ج: هدف الدعوة هو هدف الأنبياء (ع) نوح وإبراهيم وموسى وعيسى ومحمد، أن ينتشر التوحيد الحقيقي الذي يرضاه الله وأن تملأ الأرض قسطاً وعدلاً بعد أن ملئت ظلماً وجوراً.

سوال ٢: اهداف اصلی دعوت شما چیست؟

جواب: هدف این دعوت همان هدف انبیا (علیهم السلام)، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد می باشد؛ اینکه توحید واقعی که مورد رضایت خداوند است منتشر شود و زمین از قسط و عدل پر شود بعد از اینکه از ظلم و جور آکنده شده است.

س ٣: متى بدأت بالدعوة وأين وماذا كانت الظروف آنذاك ؟

ج: الدعوة بدأت في نهاية عام ١٩٩٩ م في النجف في الحوزة العلمية، وبدأت بالانتشار وبشكل علني قبل سقوط الطاغية بعشرة أشهر تقريباً، وحاول الطاغية صدام اعتقالي وقتلي، ولكن الله وبفضله ومنه عليّ حفظني. (٢)

٢. وقد أشار أهل البيت إلى هذا الوقت بالتحديد، وهو وقت ظهور المهدد للإمام المهدي (ع)، بل وصفوه بأنه منهم أي من ذريتهم، وفي بعض الروايات من ذرية الإمام المهدي (ع) بالخصوص.
عن أبي بصير، عن الإمام الصادق (ع)، قال: (يا أبا محمد، ليس ترى أمة محمد (ص) فرجاً أبداً ما دام لولد بني فلان ملك حتى ينقرض ملكهم. فإذا انقرض ملكهم أتاح الله لأمة محمد (ص) برجل منا أهل البيت بشير (يسير) بالتقى، ويعمل بالهدى، ولا يأخذ في حكمه الرشا.

سوال ۳: دعوت را چه موقع و از کجا شروع کردید و امکانات شما چه بود؟

جواب: این دعوت در اواخر سال ۱۹۹۹ م در نجف در حوزه‌ی علمیه شروع و انتشار علنی آن تقریباً ده ماه قبل از سقوط صدام صغیانگر آغاز شد. صدام طغیانگر اقدام به دستگیری و کشتن من نمود که خداوند متعال با فضل و منت خویش مرا حفاظت فرمود.^(۳)

س ۴: ذکرتم أنکم درستم في الحوزة العلمية في النجف، فمن كان العلماء الذين درسوكم؟ وهل أكملتم الدراسة؟

ج: كنت في الحوزة العلمية في النجف وبين علمائها كما كانت مريم المقدسة (ع) في الهيكل وبين علماء اليهود.

سوال ۴: گفتید در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف درس خواندید؛ علمایی که به شما درس دادند چه کسانی بودند و آیا درس خود را به پایان رساندید؟

جواب: من در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف و در بین علمایش بودم همان طور که مریم مقدس علیها السلام در هیکل و در بین علمای یهود بود.

س ۵: ما هي الخطوات التي اتبعتموها في إصلاح الحوزة العلمية وهل نجحت؟

ج: محاولتي الإصلاح في الحوزة العلمية كانت في بداية الدعوة وقبل أن تصبح علنية، وكانت تتركز على ثلاثة محاور هي:

۱- الإصلاح العلمي: وقد استخدمت فيه وسيلتين:

والله إني لأعرفه باسمه واسم أبيه. ثم يأتينا الغليظ القصرة، ذو الخال والشامتين، القائد العادل، الحافظ لما استودع، يملؤها عدلاً وقسطاً كما ملأها الفجار ظملاً وجوراً) عصر الظهور للكوراني: ص ۲۰۸.
ودولة بني فلان هي دولة بني أمية المتمثلة بدولة صدام (لعنه الله) وفعلاً في نهاية انقراضها أرسل الإمام المهدي (ع) السيد أحمدالحسن رسولاً عنه إلى الناس كافة، ولم تنتشر دعوته ويتاح لها الانتشار إلا بعد انقراض حكم صدام (لعنه الله)، ثم تذكر الرواية بعد ذلك ظهور الإمام المهدي (ع)، والله العالم. (المعلق).

۳. اهل بيت علیهم السلام به طور دقیق به این زمان اشاره فرموده‌اند؛ زمان ظهور زمینه‌ساز مهدی علیه السلام و حتی او را از خودشان یعنی از نسل خودشان توصیف نمودند و در برخی روایات به طور مشخص از نسل امام مهدی علیه السلام ذکر فرموده‌اند.

از ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ای ابا محمد، اُمّت محمد صلی الله علیه و آله و سلم تا هنگامی که برای فرزندان بنی فلان حکومت وجود داشته باشد، هیچ‌گاه فرج را نخواهد دید، مگر اینکه حکومتشان منقرض گردد. هنگامی که حکومت ایشان منقرض

شود، خداوند با مردی اهل بیت زمینه را برای اُمّت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فراهم خواهد نمود. مردی که با تقوا حرکت و با هدایت عمل می‌کند و در حکومتش رشوه نمی‌گیرد. به خدا قسم او را با نام و نام پدرش می‌شناسم. سپس آن درشت هیكل کوتاه که دارای خال و دو علامت است، همان فرمانده عادل، حفاظت‌کننده از آنچه به او سپرده شده است، می‌آید، آن را پر از قسط و عدل می‌کند همان گونه که فاجران و بدکاران از ظلم و ستم آکنده کرده‌اند.» عصر ظهور کورانی: ص ۲۰۸.

دولت بنی فلان همان دولت بنی امیه است که در صدام (لعنت الله) متمثل شده بود و در حال حاضر و در پایان آن دولت، امام مهدی علیه السلام سید احمدالحسن را به عنوان فرستاده‌ی خود برای عموم مردم ارسال فرمود و دعوت ایشان منتشر نشد و زمینه برایش فراهم نگردید مگر پس از انقراض حکومت صدام که لعنت خدا بر او باد. سپس در ادامه، این روایت ظهور امام مهدی علیه السلام را بیان می‌نماید؛ و خداوند داناتر است.

الأولى: هي كتابة كتاب اسمه «الطريق إلى الله»، وقد أثر تأثيراً جيداً، وتأثر به الشيخ محمد اليعقوبي وكان معجباً به ويريد إعادة نشره، كما نقل لي بعض الشيوخ والسادة من أتباعه في حينها.
والثانية: هي الكلام ومناقشة الطلبة والعلماء حول الخلل العلمي الموجود، وكان يعينني بذلك من كانوا يؤمنون بي، وبعض من كانوا متأثرين بكلامي والحق الذي كنت أقوله.

سوال ٥: چه اقداماتی در اصلاح حوزه‌ی علمیه انجام دادید و آیا در این اصلاحات موفق بودید؟
جواب: تلاش‌های من برای اصلاح حوزه‌ی علمیه در شروع دعوت و قبل از انتشار علنی آن صورت گرفت. این اصلاحات بر سه محور متمرکز شده بود:

١- اصلاحات علمی: که برای انجام آن، از دو ابزار استفاده نمودم:

اول: نوشتن کتابی به نام «سرگردانی یا مسیر به سوی خدا» که تأثیر بسیار خوبی بر جای گذاشت. شیخ محمد یعقوبی تحت تأثیر آن قرار گرفت و به آن علاقه‌ی شدیدی نشان داد و آن گونه که بعضی از شیوخ و سادات پیرو او به من اطلاع دادند خواستار چاپ و توزیع مجدد آن شد.

دوم: بحث و گفت‌وگو با طلبه‌ها و علما در خصوص نقایص علمی موجود. برخی از کسانی که به من ایمان داشتند، مرا در این زمینه یاری نمودند و برخی دیگر تحت تأثیر سخن من و حقی که می‌گفتم قرار گرفتند.

٢- الإصلاح العملي: وهو يتعلق بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، وأضرب لك مثلاً على ذلك هو عندما قام الطاغية صدام بتنجيس القرآن، عندما كتبه بدمه النجس والمسلمون مجمعون على أنّ الدم نجس، والقرآن يحرم تنجيسه، طالبت في حينها باتخاذ العلماء موقفاً على الأقل بإصدار بيان، ولكّهم اعتدروا بالتقية فكانت نفوسهم أعزّ عندهم من القرآن، ولو كانوا يؤمنون أن: لا قوّة إلاّ بالله؛ لاتخذوا موقفاً وتيقنوا أنّ الله سيدافع عنهم. وأنا شخصياً اتخذت موقفاً، وكنت استنكر هذا الفعل الخبيث من الطاغية صدام، وقلت مرّات متعددة وفي خطبي في المجالس: إنّ صدام كتب موته بيده عندما كتب القرآن بدمه النجس. وبدل أن يعينوني بدأوا يبتعدون عني وطردني أحدهم بطريقة مؤدبة!! لأنّه كان يخاف أنّ صداماً إذا أخذني ليعدمني أن يعدمه معي؛ لأنّه سمع كلامي على الطاغية صدام!! على كل حال في هذا المجال (الإصلاح العملي) لم أجد أي استجابة منهم.

٢- اصلاحات عملی: که در زمینه‌ی امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. مثالی می‌زنم: هنگامی که صدام سرکش اقدام به نجس کردن قرآن نمود و وقتی با خون نجسش قرآن را نوشت در حالی که تمام مسلمانان اتفاق نظر دارند که خون نجس است و حرام است که قرآن نجس شود، از علمای نجف درخواست کردم که حداقل با صدور بیانیه‌ای، اعلام موضع نمایند؛ ولی آنها تقیه را بهانه کردند در حالی که جان‌هایشان برایشان از قرآن عزیزتر بود. اگر ایمان داشتند که هیچ قوت و نیرویی نیست مگر از طریق

خداوند متعال، موضع‌گیری می‌کردند و یقین می‌داشتند که خداوند از آنها دفاع خواهد نمود. من شخصاً موضع‌گیری نمودم و از این عمل خبیث صدام اعلام انزجار نمودم و بارها در سخنانم در مجالس گفتم که صدام آن هنگام که قرآن را با خونس نجس نمود، مرگش را با دست خودش امضا نمود. آنها به جای اینکه مرا یاری دهند، از من کناره گرفتند و یکی از آنها محترمانه مرا از خود راند!! چرا که می‌ترسید که اگر صدام مرا دستگیر کند، مرا اعدام و او را هم همراه من اعدام نماید؛ چون او سخن من را در مورد صدام طغیانگر شنیده بود!! به هر حال در این زمینه (اصلاح عملی) پاسخ مثبتی از سوی آنها دریافت نکردم.

۳- الإصلاح المالي: وهو يتعلق بإنفاق أموال الصدقات على الفقراء. وهذا كان آخر المطاف قبل أن تصبح الدعوة علنية، ووجدت فيه كثيرين جداً من طلبة الحوزة العلمية ممن نصروني، قليل جداً منهم لأجل الفقراء، والأكثر لأنهم هم أنفسهم كانوا يعانون من التمييز في العطاء المالي الذي كان يمارس في الحوزة العلمية. وفي هذا المجال تحققت نتائج يسيرة بعد أن خضت بنفسي أو بعض أنصاري من طلبة الحوزة العلمية مفاوضات مريرة مع المرجعيات الدينية في النجف، ومن هذه المرجعيات السيد السيستاني، والسيد محمد سعيد الحكيم، والشيخ محمد إسحاق الفياض. وكان أكثرهم استجابة باللسان والقول هو الشيخ البيهقوبي، ولم يجادل، بل اعترف بالخطأ وقال نحن نحتاج للإصلاح المالي، عندما ذكره أحد المؤمنين بي في حينها بسياسة أمير المؤمنين علي(ع) المالية.

وعلى كل حال فالنتائج الفورية في كل هذه المحاور كانت يسيرة ولم يكن القوم يريدون السير خطوات إلى الأمام.

۳- اصلاحات مالی: که در زمینه‌ی انفاق اموال صدقات به فقرا می‌باشد. این آخرین حرکت قبل از علنی شدن دعوت بود. در این زمینه بسیاری از طلبه‌های حوزه‌ی علمیه مرا یاری دادند؛ تعداد بسیار کمی از آنها از بابت فقرا و تعداد زیادی به خاطر خودشان بود که از چگونگی مصرف اموال که در حوزه رایج بود، در رنج و سختی بودند. در این زمینه نتایج ضعیفی حاصل شد آن هم پس از اینکه خودم یا بعضی از انصارم از طلاب حوزه‌ی علمیه بحث‌های تلخی را با مراجع دینی نجف انجام دادیم؛ مراجعی نظیر سید سیستانی، سید محمد سعید حکیم و شیخ محمد اسحاق فیاض. از میان آنها، شیخ محمد یعقوبی کسی بود که بیشترین تأیید زبانی و کلامی را از ما نمود؛ او جدال و دشمنی نکرد و حتی به خطا نیز اعتراف نمود و پس از اینکه یکی از مؤمنین به من او را به یاد سیاست مالی امیر المؤمنین حضرت علی(علیه السلام) انداخت، ابراز داشت که ما به اصلاحات مالی نیاز داریم.

به هر حال نتایج به دست آمده در همه‌ی این موارد بسیار ضعیف بود و آنها تمایلی برای حرکت در مسیر امام (علیه السلام) از خود نشان ندادند.^(۴)

س۶: كيف كانت علاقتكم ببعض المراجع المعروفين في النجف وغير النجف؟ وماذا عن الآن؟

ج: كانت لا بأس بها، أما الآن فمعظمهم يطالبون باعتقالي أو قتلي، وقد أفتى بعضهم علناً بهدر دمي، كالحائري في إيران.

سوال ۶: رابطه‌ی شما با مراجع معروف در نجف و سایر جاها چگونه بود؟ و در حال حاضر چگونه است؟

جواب: مشکلی نداشتم و در حال حاضر، بیشتر آنها دستگیری و قتل مرا می‌خواهند و بعضی از آنها فتوای مهدور الدم بودنم را نیز داده اند، مانند حائری در ایران.^(۵)

س۷: هل كانت هناك محاولات لنظام صدام للاحتكام؟ يرجى ذكرها باختصار.

ج: نعم، واعتقل بعض من كان له علاقة بي وإن لم يكن من المؤمنين بي، بل اعتقلوا بعد إعلان الدعوة عدداً من طلبة الحوزة وإن لم تكن لهم علاقة بي، فقط كانوا يحققون معهم في محاولة منهم للوصول لي واعتقالي، والحمد لله الذي أخزى صدام وجنده وردهم خائبين.

سوال ۷: آیا تلاش‌هایی از سوی نظام صدام برای دستگیری و تعقیب شما صورت گرفت؟ لطفاً به طور

مختصر بیان نمایید.

^۴ من (پناه می‌برم به خدا از منیت) هم‌زمان با این دوران و قیام ضد فساد مالی در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف بودم که سید احمدالحسن آن را رهبری می‌کرد و برخی جزئیات آن را همراهی می‌کردم. (شیخ ناظم العقیلی)

^۵ تمام کسانی که سید احمدالحسن را تکذیب کردند، او را بدون هیچ دلیل و برهانی و صرفاً از روی تعصب و هوای نفس، تکذیب کردند. آنها به سخنان او گوش نمی‌دادند و توجه نمی‌نمودند و حاضر به بحث و ارایه‌ی دلایل با او نبود چرا که علم آن را در اختیار نداشتند و با این وجود او را از همان ابتدا تکذیب می‌کردند. آیا خداوند آنان را از غیب مطلع ساخته بود؟ خداوند متعال اینان و نظایر آنها را در قرآن کریم مذمت نموده است و می‌فرماید: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلَمِهِ وَلَمَّا يَا تَهُمُ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نیافته و هنوز از تأویل آن بی‌خبر بودند. کسانی که پیش از آنان بودند نیز (پیامبران را) چنین به دروغ نسبت دادند پس بنگر که عاقبت کار ستمکاران چگونه بوده است) (یونس: ۳۹) و همچنین «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (این سنت خداوندی است که در میان پیشینیان نیز بود و در سنت خدا تغییری نخواهی یافت) (احزاب: ۶۲) و همچنین می‌فرماید: «... أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ» (.... و هر گاه فرستاده‌ای آمد و چیزهایی آورد که مورد پسند نفس شما نبود سرکشی کردید، گروهی را دروغ‌گو خواندید و گروهی را کشتید) (بقره: ۸۷). آنها حق را نمی‌بینند مگر در وجود خودشان و حتی هر کدام از آنها خود را تنها حق موجود بر این زمین می‌داند و با کسانی انس و الفت می‌گیرند که بین شتر نر و شتر ماده فرقی نمی‌بینند و از مکر و عقاب خدا خود را ایمن می‌بینند. این همان خصوصیات علمای بنی اسرائیل است که با پیامبران خدا حضرت موسی، عیسی و محمد که سلام و صلوات خداوند بر همه‌شان باد، به جنگ برخاستند. سید احمدالحسن دلایل قرآنی و سنت رسول خدا ﷺ و ادله‌ی انبیا و مرسلین را آورد. رسول خدا ﷺ و ائمه (علیهم السلام) او را با نام و خصوصیات و محل سکونت ذکر کرده‌اند و خداوند متعال در ملکوت آسمان‌ها به درستی ایشان شهادت می‌دهد؛ با این حال آنها او را تصدیق نکردند بلکه تکذیبش نمودند و اصلاً به سخنانش گوش ندادند. این نوع برخورد و موضع‌گیری از کسانی که رسول خدا ﷺ آنها را شرورترین فقه‌های زیر سقف آسمان توصیف می‌فرماید، بعید نیست.

جواب: بله. حتی بعضی از کسانی که با من ارتباط داشتند و از مؤمنین به من نبودند و همچنین پس از اعلان دعوت، تعدادی از طلاب حوزه که ارتباطی با من نداشتند نیز دستگیر شدند. آنها از این طلبه‌ها تحقیق می‌کردند تا به من دسترسی پیدا کنند و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که صدام و سربازانش را خوار و ناکام نمود.

س۸: ما هو رأيكم بالحرب التي أسقطت نظام صدام ؟ والاحتلال الأمريكي والعمليّة السياسيّة الحاليّة ؟
ج: في الحديث القدسي عن الله سبحانه: (الظالم سيف أنتقم به وأنتقم منه). فصدام طاغية ونال جزاءه من الله بالسيف، أما تنصيب الناس فأنا لا أؤمن به، بل أؤمن بتنصيب الله سبحانه وتعالى للأنبياء والأوصياء (ع) وإن كره الناس.

سوال ۸: نظر شما در مورد جنگی که موجب سقوط صدام شد چیست؟ همچنین در مورد اشغال‌گری آمریکا و سیاست فعلی عراق؟

جواب: در حدیث قدسی از خداوند سبحان آمده است: «ظالم شمشیری است که با آن انتقام می‌گیرم و از او نیز انتقام خواهم گرفت».^(۶) صدام، طغیان کرد و جزایش از جانب خداوند با شمشیر بود. اما انتخابات توسط مردم، من اعتقادی به آن ندارم، بلکه به انتخاب و انتصاب انبیا و اوصیا علیهم‌السلام توسط خداوند سبحان ایمان دارم؛ هر چند که مردم را خوش نیاید.^(۷)

۶. در کتاب «عقاب الاعمال» صدوق از پدرش، از عبد الله بن جعفر از هارون بن مسلم از مسعدة بن زیاد از امام صادق علیه‌السلام از پدرش علیه‌السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال کتابی بر پیامبری از انبیایش نازل کرد که در آن نوشته شده بود: به زودی، بندگانی از مخلوقات من خواهند آمد که دنیا را به واسطه‌ی دین می‌لیسند، لباس میش بر دل‌هایی می‌پوشند که چون دل‌های گرگ است. کردارشان تلخ تر از صبر (نوعی گیاه) است در حالی که زبان‌هایشان شیرین تر از عسل. کردارهای باطنی‌شان از جسد متعفن مُردار بد بو تر است. آیا به من غره می‌شوند، یا مرا می‌فریبند؟! به عزتم سوگند، فتنه‌ای بر آنان انگیزم که افسارگسیخته پیش می‌رود تا آن که همه جای زمین را فرامی‌گیرد و بردبار در آن حیران می‌ماند، نظر صاحب نظر در آن گم می‌شود و حکمت حکیم بی‌تأثیر. آنها را گروه گروه کنم و بعضی را به جان بعضی دیگر بیندازم، از دشمنانم با دشمنانم انتقام می‌گیرم و سپس همگی را عذاب می‌دهم و هیچ ابایی نخواهم داشت». جواهر السنیة حر عاملی: ص ۳۲۷.

۷. این از خصوصیات ائمه‌ی حق است که آنها نه تابع هوای نفس خود هستند و نه هوای نفس مردم، بلکه فقط به امر خدا عمل می‌کنند و از آن به چیز دیگری عدول نمی‌کنند حتی اگر تمام اهل زمین از انس و جن علیه آنها به پا خیزند؛ چرا که آنها جز خداوند هیچ کس را نمی‌بینند. در حالی که پیشوایان گمراهی از علمای بی‌عمل را می‌بینیم که برای راضی کردن مردم حرص می‌ورزند و از خواسته‌های آنها پیروی می‌کنند حتی اگر با قرآن و سنت مخالفت داشته باشد. همان طور که در روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است، این همان جدا کننده‌ی بین حق و باطل می‌باشد.

از ابو عبد الله علیه‌السلام روایت شده است که فرمود: «در کتاب پدرم خواندم: در کتاب خدا ائمه دو نوع هستند: امام هادی و امام گمراهی؛ ائمه‌ی هدایت امر خدا را بر امر خویش و حکم خدا را بر حکم خویش مقدم می‌دارند. اما ائمه‌ی ضلالت و گمراهی در راستای پیروی از هوای نفس خویش و مخالفت با آنچه در کتاب خدا هست، امر خود را بر امر خدا و حکم خود را بر حکم خدا مقدم می‌دارند». بحار الانوار: ج ۴۲ ص ۱۵۶.

س ۹: الانتخابات والحكومة هل شاركتم بها بأي شكل؟ وما هي علاقتكم بالحكومة؟
ج: لم نشارك بأي شكل في الانتخابات أو الحكومة، وكل فترة من الزمن تقوم الحكومة بهدم أحد دور العبادة الخاصة بالأنصار وبعثت عددا منهم، وأخيراً تم إغلاق المكتب الخاص بالأنصار في النجف واعتقال عشرات الأنصار في النجف قبل أحداث الزرقة، وكان من ضمن الأنصار المعتقلين السيد حسن الحماوي، وهو من كبار علماء النجف، ونجل المرجع الديني الراحل السيد محمد علي الحماوي.

سؤال ۹: آیا شما به شکل خاصی در انتخابات و حکومت شرکت می کنید؟ رابطه شما با دولت چگونه است؟

جواب: به هیچ شکلی در انتخابات و حکومت شرکت نمی کنیم و هر از گاهی حکومتی ها اقدام به تخریب مسجدهای خاص انصار و بازداشت تعدادی از آنها می کنند و اخیراً قبل از حوادث زرگه اقدام به بستن مکتب انصار در نجف و دستگیری ده ها تن از انصار نموده اند؛ از جمله انصاری که دستگیر شدند سید حسن حمای از بزرگان علمای نجف و فرزند مرجع دینی مرحوم سید محمد علی حمای، می باشد.

س ۱۰: ما علاقتكم بالأحزاب والحركات السياسية المتواجدة على الساحة العراقية؟ المجلس الأعلى؟

الدعوة؟ التيار الصدري؟ الفضيلة؟ وغيرها؟

ج: هم مدعوون كغيرهم من الناس إلى الإيمان بهذه الدعوة.

از این کسانی که انتخابات را برای مردم جایز یا واجب می دانند بپرسید: آیا خداوند و یا رسول خدا به آنها چنین دستوری داده است؟ آنها امامانی هستند که به دوزخ فرامی خوانند؛ چرا که آنها به امر خدا و به حکم او در قرآن مجید عمل نمی کنند. اگر بگویند خداوند چنین فرمانی به آنها داده است، پاسخشان از سوی خداوند متعال چنین خواهد بود: «وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحِشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (چون کار زشتی کنند، گویند: پدران خود را نیز چنین یافته ایم و خداوند ما را به آن فرمان داده است. بگو: خدا به زشت کاری فرمان نمی دهد! آیا آنچه از آن آگاهی ندارید به خداوند نسبت می دهید؟!)

(اعراف: ۲۸). روایت زیر، تفسیر اهل بیت علیهم السلام در خصوص این آیه را بیان می کند:

از محمد بن منصور روایت شده است که گفت: از ابا عبد الله علیه السلام در مورد این سخن خداوند متعال سوال کردم: «وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحِشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»، فرمود: «آیا تا به حال کسی را دیده ای که بگوید خدا مرا به نوشیدن شراب و انجام زنا و اعمال حرامی از این دست امر کرده است؟» گفتم: خیر. فرمود: «پس این عمل زشتی که ادعا می کنند خدا آنان را به انجام آن فرمان داده است، چیست؟» گفتم: خدا و ولی او دانایتر است. فرمود: «این آیه در مورد ائمه جور و ستم است. آنها ادعا می کنند که خدا آنها را به سرپرستی قومی گذاشته و در حالی که آنها را به سرپرستی منصوب نکرده است و خداوند اینگونه جوابشان را می دهد و این عمل آنها را فاحشه (عمل زشت) می نامد». غیبت ابراهیم بن محمد نعمانی: ص ۱۳۱؛ کافی: ج ۱ ص ۳۷۳.

چگونه اینان ادعا می کنند که خداوند بر مردم انتخاب اینان را برای اداره ی کشورها و بندگان واجب کرده است در حالی که آنها همان فاحشهای هستند که روی زمین راه می رود، خدا هرگز فرمان به فحشا و منکر نمی دهد و تنها کسی که علیه این موضوع قیام کرده و سر تعظیم در برابرش فرود نیاورده است سید احمدالحسن وصی و فرستاده ی امام مهدی علیه السلام و یمانی موعود می باشد. خدا رحمت کند کسی را که به رشد این دعوت کمک و باعث تعالی آن گردد.

سوال ۱۰: رابطه‌ی شما به احزاب و حرکت‌های سیاسی موجود در عراق مانند مجلس اعلی، الدعوه، جنبش صدری، فضیله و سایرین چگونه است؟

جواب: آنها هم همانند سایر مردم به ایمان آوردن به این دعوت فراخوانده شده‌اند.

س ۱۱: هل لكم أتباع في دول أخرى؟

ج: نعم في إيران، باكستان، الكويت، قطر، البحرين، الإمارات العربية، مصر، المغرب، نجد والحجاز (الجزيرة العربية)، لبنان، الصين، استراليا، كندا، انكلترا، السويد، الولايات المتحدة الأمريكية، ودول أخرى.

سوال ۱۱: آیا در کشورهای دیگر نیز پیروانی دارید؟

جواب: بله؛ در ایران، پاکستان، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده‌ی عربی، مصر، مغرب، نجد و حجاز (شبهه جزیره‌ی عربستان)، لبنان، چین، استرالیا، کانادا، انگلستان، سوئد، ایالات متحده‌ی آمریکا و کشورهای دیگر، انصار وجود دارند.

س ۱۲: سمعت أنّ لكم أتباع من السنّة والمسيح وديانات أخرى؟ يرجى ذكر كيف حصل ذلك وإن كان هناك أمثلة.

ج: معظم هؤلاء آمنوا بسبب التقائهم بالأنصار الذين في الخارج وبينوا لهم الدعوة، أو إنهم اطلعوا على موقع الإنترنت، وكثير منهم رأوا رؤى في المنام فأمنوا أو إنّ لديهم دليلاً غيبياً، وهذه كمثال رسالة شخص مسيحي من مصر آمن بالدعوة وأرسلها إلى الأخوة الأنصار عبر الإنترنت:
الإسم: عمانوئيل روفائيل. البلد: مصر.

نص الرسالة: (فخامة المندوب عن المنقذ، لدي رسالة إليك كتبت قبل ۳۲۲ عاماً من الأسقف سرخيس ميخا المعمدان محفوظة ومختومة رغم إنني لم استطيع حل ألغازها لكن اسم فخامتكم فيها واضح أرجو إبلاغي بالعنوان المناسب مع احتراماتي).

عمانوئيل. العمر: ۷۱

سوال ۱۲: شنیده‌ام که پیروانی از مسیح، اهل سنت و سایر ادیان دارید. خواهش می‌کنم چگونه آن را بفرمایید؛ و در صورت امکان مثالی ذکر کنید.

جواب: بیشتر این افراد بر اثر روبه‌رو شدن با انصاری که در خارج هستند و دعوت را برایشان تبیین نموده‌اند، ایمان آوردند و یا از طریق سایت اینترنتی باخبر شدند. بسیاری از آنها رؤیا دیده‌اند و ایمان آوردند یا دلیل غیبی دیگری دارند. به عنوان مثال این نامه‌ی یک شخص مسیحی از مصر می‌باشد که به این دعوت ایمان آورده و نامه را از طریق اینترنت به برادران انصار ارسال نموده است:

نام: عمانوئیل رافائل. کشور: مصر.

متن نامه: «ای سبزکننده‌ی (دین) ارسال شده از سوی نجات دهنده! نامه‌ای برای شما دارم که ۳۲۲ سال قبل توسط اُسُف سرکیس میخا المعمدان امضا و تا کنون حفظ شده است. با اینکه من راز آن را نفهمیده‌ام ولی اسم بزگوار شما به وضوح در آن دیده می‌شود. امیدوارم نشانی مناسب را به من اعلام فرمایید. با احترام».

عمانوتل - ۷۱ساله

س ۱۳: ما رأیکم بما یسمی المقاومة و غیرها، وماذا عن العنف الطائفي والتہجیر؟

ج: هل يوجد عاقل يحترم عقله یسمي قتل الناس في الطرقات والمدارس والجامعات والأسواق مقاومة؟!؟

سوال ۱۳: نظر شما در خصوص مقاومت و سایر موارد چیست؟ همچنین در خصوص خشونت طایفه‌ای و بیرون راندن دیگران؟

جواب: آیا هیچ عاقلی که به عقل خودش احترام بگذارد وجود دارد که بگوید کشتار مردم در راه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و بازارها؛ مقاومت نام دارد؟!؟

س ۱۴: لماذا أتهمت بعض الجهات السياسية حرکتکم بأئها كانت خلف أحداث الزرکة؟ ما هي دوافعهم؟

ج: هم عندما قاموا بهدم دور العبادة الخاصة بالأنصار في كربلاء والنجف وإغلاق المكتب في النجف، منعوا وسائل الإعلام من التصوير أو نقل الحدث، فلما حدثت فتنة الزرکة ونقلت بعض وسائل الإعلام الأحداث من الهدم وإغلاق المكتب واعتقال الأنصار، حاولوا التغطية على جرائمهم بتحميل الأنصار أحداث الزرکة؛ ليقولوا إنَّ الأنصار يستحقون ما فعلنا بهم قبل ذلك. والحمد لله انكشفت الحقيقة واتضح جرائمهم، ولكن مع ذلك فالحكومة إلى اليوم تقوم باعتقال بعض الأنصار وإلى اليوم المكتب مغلق في النجف ولا یسمحون للأنصار بفتحه.

سوال ۱۴: چرا بعضی جنبش‌های سیاسی حرکت شما را به این متهم نموده‌اند که شما در پشت پرده‌ی حوادث زرگه هستید؟ انگیزه‌ی آنها چیست؟

جواب: وقتی آنها اقدام به ویران کردن مسجدهای انصار در کربلا و نجف و بستن مکتب دعوت در نجف کردند، رسانه‌های جمعی را از تصویربرداری یا اطلاع‌رسانی منع کردند و هنگامی که فتنه‌ی زرگه اتفاق افتاد، بعضی از رسانه‌ها حوادث مربوط به تخریب و بستن و مکتب و دستگیری انصار را گزارش کردند و تلاش کردند تا سرپوشی بر جنایت‌های خود بگذارند و آنها را به حادثه‌ی زرگه مرتبط سازند؛ تا بگویند که انصار استحقاق چنین برخوردهایی را دارند. به حمد خداوند که حقیقت هویدا شد و جنایات

و جرایم آنها آشکار گردید؛ اما با این حال، تا به امروز، حکومت عراق به دستگیر کردن انصار ادامه می‌دهد و تا امروز دفتر دعوت در نجف بسته شده است و اجازه‌ی باز کردن آن را نمی‌دهند.^(۸)

س ۱۵: یتهم البعض المجلس الأعلى ومنظمة بدر وحتى النظام الإيراني بمحاولة قمع الحركات الشيعية المناوئة، مارأيكم؟

ج: بالنسبة لهذا المجلس وتفرعاته أنا أذكر لك حادثة ليكون الحديث موثقاً، ففي شهر ذي الحجة السابق أي قبل شهرين تقريباً، عقد مؤتمر في النجف وطالب بعض وكلاء المراجع في هذا المؤتمر بمحاربة هذه الدعوة. وقد نقل هذا الكلام على الفضائيات، وبعد أيام من هذه المطالبة قامت السلطات الجائرة في النجف بمهاجمة الأنصار واعتقالهم وإغلاق المكتب.

سوال ۱۵: بعضی‌ها مجلس اعلیٰ، سپاه بدر و حتی نظام ایران را متهم می‌کنند که سعی در سرکوبی حرکات شیعیان طرفدار شما دارند، نظر شما در این مورد چیست؟

جواب: در خصوص این مجلس و حرکت‌هایش حادته‌ای را برای شما تعریف می‌کنم تا گفتار من با سند و مدرک باشد. در ماه ذی الحجه‌ی گذشته یا تقریباً دو ماه قبل، یک گردهمایی در نجف تشکیل شد و بعضی از وکلای مراجع در این گردهمایی خواستار مبارزه با این دعوت شدند. این موضوع در شبکه‌های ماهواره‌ای منتشر شد و بعد از گذشت چند روز از این درخواست، حکومت ظالم در نجف اقدام به حمله به انصار و دستگیر کردنشان و بستن مکتب نمودند.

س ۱۶: يدعی البعض إنّ «المهدوية» يقومون بأعمال ضالّة ومنحرفة، فما جوابكم على ذلك؟

ج: إن كنت تقصد بالمهدوية أنصار الإمام المهدي (ع)، فأنا شخصياً لم أر منهم إلاّ خيراً، وكثير منهم عبّاد نُسّاك يُحيون الليل بالصلاة والنهار بالصيام ولا يعصون الله ولا يرتكبون الفواحش ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر ويؤمنون بالله وبأنبيائه ورسوله (ع) جميعاً، وبالكتب السماوية التي جاء بها الأنبياء (ع) (القرآن والتوراة والإنجيل)، وبالملائكة وبالغيب وبالقيامتين الصغرى والكبرى، فإن كان هذا عند الناس ضلالاً وانحرافاً فكيف يكون الهدى والصراط المستقيم؟! ثم إنّ معظمهم كانوا من أتباع العلماء وبعضهم كانوا من فيلق بدر ومن حزب الدعوة ومن التيار الصدري ومنهم علماء معروفون، ثم تبين لهم الحق فاتبعوه، فهل لمجرد دخولهم إلى الحق وبالدليل الذي يرضاه الله يستحقون التشهير بهم بالكذب والبهتان والزور، وأضرب لك مثلاً من هذا الزور والكذب الذي تعرّضت له أنا شخصياً، فقبل عدّة أشهر وفي قناة

^۸ این همان آزادی است که مدعی‌ش هستند و همان دموکراسی شیطانی است که از آن دم می‌زنند! آنها را به سوی ویران کردن خانه‌های خدا و تجاوز به مردم بی‌سلاح سوق می‌دهد. این دموکراسی آنها را به جایی رساند که عقل‌ها و عقاید مردم را خوار و سبک شمارند. این دموکراسی آنها را به جایی رساند که در عمل به طاغوت‌ها اقتدا کنند تا جایی که دیگر شما نه نظری داری و کیانی و نه اصلاً موجودیتی! آری، این همان طنز تلخ آخر الزمان و باطل کردنش توسط علمای بی‌عمل است تا اعمال طاغوتیان را تبرئه نمایند و آنها را با شریعت خدا توجیه کنند. آیا عاقلی وجود دارد که خودش را از این گمراهی که فرجامش ایستادن در صف سفیانی علیه امام مهدی (ع) است، نجات دهد؟!!

الكوثر الفضائية الإيرانية وفي برنامج «المهدي الموعود» استضافوا الشيخ علي الكوراني، وكانت الحلقة كلها تقريباً مخصصة للحديث عني وتشويهه صورة الدعوة، ومن ضمن ما قاله الشيخ علي الكوراني (إنّ أحمد الحسن يقول: إنّه زوج أخته للإمام المهدي). وهو يعلم يقيناً أنّي لم أقل هذا ويعلم أنّه يكذب، ولكنه لا يستحي من الكذب وقول الزور رغم كبر سنّه والعمامة التي يضعها على رأسه.

سوال ۱۶: بعضی ها مدعی هستند که «مهدویت» اقدام به انجام اعمال منحرف و گمراه کننده می کنند.

پاسخ شما چیست؟

جواب: اگر منظور شما از مهدویت، انصار امام مهدی (علیه السلام) است، من به شخصه جز خیر و خوبی از آنها ندیدم. بسیاری از آنها عابدینی هستند که امساک می کنند، شب را به نماز می ایستند، روز را روزه داری می کنند، خدا را معصیت نمی کنند، عمل زشتی انجام نمی دهند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، به خدا و به همه ی انبیا و فرستادگانش (علیهم السلام) ایمان دارند و همینطور به کتاب های آسمانی که پیامبران (علیهم السلام) آورده اند (قرآن، تورات و انجیل) و به ملائکه و غیب و به دو قیامت صغری و کبری ایمان دارند. اگر این کارها از نظر مردم گمراهی و انحراف است پس هدایت و صراط مستقیم کدام است؟! به علاوه بسیاری از این انصار از پیروان علما، سپاه بدر، حزب دعوت، جنبش صدری بودند و در میان آنها از علمای معروف نیز دیده می شود که چون حق برای آنها آشکار شد، آن را دنبال کردند. آیا به محض این که وارد این دعوت حق شدند و به راهی که خدا به آن راضی است درآمدند، استحقاق این همه دروغ و بهتان و افترا را پیدا می کنند؟! در خصوص این فریب کاری و بهتان برای شما مثالی می آورم که خودم شخصاً به آن متهم شدم: ماه ها قبل و در شبکه ی ایرانی الکوثر و در برنامه ای به نام «مهدی موعود» شیخ علی کورانی را دعوت کرده بودند و تقریباً همه ی برنامه را به بحث در مورد من و تخریب و جاهت دعوت اختصاص داده بودند. از جمله چیزهایی که شیخ علی کورانی گفت این بود که: «احمدالحسن گفته است: خواهرش را به عقد امام مهدی (علیه السلام) در آورده است» در حالی که او خودش می داند که من چنین چیزی را نگفته ام و خودش می داند که دروغ می گوید ولی بر خلاف کهولت سنی که دارد و عمامه ای که بر سر می گذارد، از دروغ بستن و افترا زدن هیچ شرم و حیایی ندارد.^(۹)

^۹ آری، شیخ علی کورانی از دروغ گفتن شرم نمی کند و هر چه بشنود را بدون هیچ تحقیقی در رابطه با صحت و سقم آن، بیان می کند. رسول خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) به ابودر فرمود: «.... ای ابودر، خداوند عزوجل نزد زبان هر گوینده ای هست، پس باید تقوای الهی پیشه کند و بداند چه می گوید. ای ابودر، از زیادی کلام پرهیز کن و به آنچه نیازت را برآورده می کند، بسنده کن. ای ابودر، همینکه انسان هر چه می شنود را تعریف کند، برای دروغ گو بدونش کفایت می کند. ای ابودر، هیچ چیز بیشتر از زبان مستحق حبس شدن نیست». بحار الانوار: ج ۴۷ ص ۸۵.

آیا سلاح معاویه علیه علی بن ابی طالب (علیه السلام) را رها نمی کنید؟! سلاح دروغ، افترا و بهتان؛ تا آنجا که اهل شام باورشان شد که علی (علیه السلام) نماز نمی خواند (که هرگز چنین نیست). یکی می گوید سید احمدالحسن خواهرش را به عقد امام مهدی (علیه السلام) در آورده است. آن یکی می گوید او

س ۱۷: هناك عدّة حركات تدعي المهدوية كجماعة الحسيني والمرسومي وجند السماء وغيرهم فهل هناك ما يجمعهم؟

ج: هم كغيرهم من الناس مدعوون للإيمان بهذه الدعوة، وقد التحق جماعة من أتباع محمود الصرخي الحسيني بهذه الدعوة بعد أن تبين لهم الحق. أما وجود هذه الحركات مع وجود الحق فهو كوجود السامري وبلعم بن باعورا مع رسول الله موسى (ع)، وكوجود مسيلمة الكذاب والأسود وسجاح مع رسول الله محمد (ص)، فهؤلاء جميعاً كانوا سبباً من سبب الشيطان لإضلال الناس عن الحق المتمثل بالأوصياء والرسل (ع).

سوال ۱۷: جنبش‌هایی مانند حسنی، مرسومی، جند السماء و نظایر آن ادعای مهدویت دارند. آیا عاملی وجود دارد که آنها را متحد کند؟

جواب: آنها نیز مانند سایر مردم به ایمان آوردن به این دعوت فرا خوانده شدند. برخی از پیروان محمود صرخی حسنی بعد از اینکه حقانیت این دعوت را مشاهده کردند، ایمان آوردند. اما وجود داشتن این حرکت‌ها با وجود حق، همانند وجود داشتن سامری و بلعم بن باعورا با وجود رسول خدا موسی (علیه السلام) می‌باشد، و همانند وجود داشتن مسیلمه‌ی کذاب و اسود و سجاح با وجود رسول خدا محمد (صلی الله علیه و آله) می‌باشد. همه‌ی اینها راهی از راه‌های شیطان برای گمراه کردن مردم از حق متمثل شده در اوصیا و پیامبران (علیهم السلام) می‌باشند.

س ۱۸: ما هو رأيكم بالسيد السيستاني؟

ج: هو مدعو كغيره من الناس للإيمان بهذه الدعوة، وقد آمن كثير من مقلديه بهذه الدعوة بعد أن تبين لهم الحق.

سوال ۱۸: نظر شما در مورد سید سیستانی چیست؟

جواب: او نیز همانند سایر مردم به ایمان آوردن به این دعوت فرا خوانده شده است. بسیاری از مقلدین او پس از اینکه حقانیت این دعوت را شناختند، ایمان آوردند.

س ۱۹: ما القصة وراء اختياركم لنجمة داود كرمز للحركة؟

جادوگر و ساحر است. دیگری می‌گوید جن تسخیر می‌کند. کس دیگری می‌گوید عامل و دست‌نشانده‌ی اسرائیل است. آیا از این روش زشت و شرم‌آور حیا نمی‌کنید؟! آیا از ریشخند کردن مردم ساده‌دل با این اکاذیبی که به هیچ وجه واقعیت ندارند، دست بر نمی‌دارید؟! آیا وقتش نرسیده است که به عقل‌های خود بازگردید و به اهل بیت (علیهم السلام) اقتدا و به اخلاق و روش آنها عمل کنید؟! اخلاقی که شما از آن به دور هستید و این اخلاق نیز از این همه دروغ و بهتان و مسخره کردن و تکذیب شما از روی نادانی، به دور است. ادعا می‌کنید عالم هستید در حالی که راه نادانان را در پیش گرفته‌اید. اگر آن گونه که ادعا می‌کنید عالم هستید، این سید احمدالحسن که شما را به مبارزه‌ی علمی فرامی‌خواند؛ آیا اجابت کننده‌ی ای هست؟... آیا اجابت کننده‌ی ای هست؟... آیا اجابت کننده‌ی ای هست؟

ج: هي اختيار الله وليس اختياري، والنجمة السداسية هي نجمة داود (ع)، وهو نبي مرسل من الله ونحن ورثة الأنبياء.

سوال ۱۹: ماجرای انتخاب ستاره‌ی داوود به عنوان نماد حرکت شما چیست؟

جواب: به انتخاب خدا بود و نه انتخاب من. ستاره‌ی شش پر، ستاره‌ی داوود (عليه السلام) می‌باشد. او پیامبر فرستاده شده از سوی خداوند است و ما وارث پیامبران هستیم.^(۱۰)

س ۲۰: هل قام أتباعكم بحمل السلاح ولو للدفاع عن النفس؟

ج: لحد الآن كلا، رغم أنّ القوات التابعة للحكومة العراقية قامت باقتحام وهمم دور عبادتهم في النجف وكربلاء، وأغلقت المكتب في النجف واعتقلت ولا زالت تعتقل منهم.

سوال ۲۰: آیا پیروان شما با خود سلاح حمل می‌کنند، حتی به عنوان دفاع از خود؟

جواب: تا حالا، خیر؛ با توجه به اینکه نیروهای پیرو حکومت عراق اقدام به تصرف و ویرانی عبادت‌گاه‌های آنها در نجف و کربلا نمودند و دفتر آنها را در نجف بستند و تعدادی را بازداشت نمودند و این دستگیر کردن‌ها همچنان ادامه دارد.

س ۲۱: كيف تمولون نشاطاتكم ومطبوعاتكم وغيرها؟

ج: من تبرعات الأنصار، فعددهم ليس بقليل في داخل العراق وخارج العراق والحمد لله.

سوال ۲۱: هزینه‌های تبلیغ، چاپ نشریه‌ها و.... را از کجا تأمین می‌کنید؟

جواب: از مساعدت‌های انصار، که تعداد آنها در داخل و خارج عراق کم نیست؛ والحمد لله.

س ۲۲: أين يتركز أنصاركم؟

ج: في العراق وبعض دول الخليج وإيران.

سوال ۲۲: انصار شما در کجاها متمرکز می‌باشند؟

جواب: در عراق و بعضی کشورهای خلیج و ایران.

^{۱۰}. ستاره‌ی شش پر در بسیاری از حرزها و تعویذهای وارد شده از اهل بیت (ع) دیده می‌شود و به منظور محافظت و یاری در برابر دشمنان از آن استفاده می‌گردد. این ستاره، ستاره‌ی داوود نبی (ع) و زره او می‌باشد و از میراث مقدس انبیا محسوب می‌گردد؛ میراثی که رسول خدا (ص) وارثش شد و بعد از ایشان، عترت طاهرش و در حال حاضر نیز ستاره‌ی یاری‌بخش امام مهدی (ع) و یمان‌اش سید احمدالحسن می‌باشد. اما امروزه، یهود این ستاره را به سرقت برده است و هر طاغوتی دوست دارد که مقدسات از آن او باشد. آیا هر کس که ادعای چیزی را کند، مالک و صاحب آن شناخته می‌شود؟! صدام کلمه‌ی «الله اکبر» را شعار خود و بر پرچمش قرار داد، آیا به این دلیل به او تعلق می‌یابد؟ و ما باید آن را از نمازهایمان حذف کنیم؟!

چقدر غافل و نادان است کسی که از ستاره‌ی داوود نبی (ع) برائت می‌جوید و آن را به یهود منتسب می‌داند. آیا پیامبر خدا داوود، داوود آنها است یا داوود ما؟! آیا قدس از آن آنها است یا از آن ما؟! شما را چه شده است، چگونه حکم می‌رانید؟!

س ۲۳: ما هي الخطوات المقبلة ؟ هل تخشون الأعتقال أو الاغتيال من قبل الحكومة العراقية أو الأحزاب الأخرى ؟

ج: في فضائية العراقية (وهي قناة إعلامية تمويلها الحكومة العراقية وتنقل رأي الحكومة وتدافع عنها)، وفي برنامج إخباري (وبعد أيام من أحداث الزرعة وبعد أن تبين أن لا علاقة لي بها) اتصلوا تلفونياً بشخص، وأفقي هذا الشخص بوجوب قتلي، ولم يستنكر مقدّم البرنامج أو القناة التابعة للحكومة هذا الكلام، وهذا يدل على رضاهم به وأظن أن في هذا تصريحاً واضحاً بنواياهم.

سؤال ۲۳: اقدامات آتی شما چیست؟ آیا از دستگیر شدن و قتل و ترور توسط حکومت عراق و یا احزاب دیگر، بیم ندارید؟

جواب: در کانال ماهواره‌ای عراق (کانال رسمی حکومت عراق که نظر حکومت را اعلام و از آن دفاع می‌کند) در یک برنامه‌ی خبری (چند روز پس از حادثه‌ی زرگه و بعد از اینکه آشکار شد که من هیچ ارتباطی با این حادثه ندارم) طی تماس تلفنی با شخصی، این شخص فتوای قتل مرا داد و مدیر برنامه یا شبکه که تابع حکومت است، نسبت به این سخن هیچ واکنشی از خود نشان نداد و این، به معنای رضایت آنها نسبت به این گفته است و به نظر من از نيات آنها به وضوح پرده بر می‌دارد.

س ۲۴: أين سماحتكم الآن ؟

ج: في العراق.

سؤال ۲۴: شما الآن در کجا هستید؟

جواب: در عراق هستم.

س ۲۵: أي شيء آخر ترغبون بالتحدّث عنه ؟

ج: أود أن أخطب الشعب المسيحي في أمريكا والغرب:

أنتم يا من تنتظرون عيسى (ع) هل قرأتم في الإنجيل قول عيسى (ع): (وأما الآن فأنا ماضي للذي أرسلني، وليس أحد منكم يسألني أين تمضي، ولكن لأنّي قلت لكم هذا قد ملأ الحزن قلوبكم. لكن أقول لكم الحق أنّه خير لكم أن أنطلق؛ لأنّه إن لم أنطلق لا يأتيكم المعزّي، ولكن إن ذهبت أرسله إليكم، ومتى جاء ذاك يبكت العالم على خطيئة، وعلى بر، وعلى دينونة. أمّا على خطيئة: ف (لأنّهم لا يؤمنون بي)، وأمّا على بر: ف (لأنّي ذاهب إلى أبي ولا ترونني أيضاً)، وأمّا على دينونة: ف (لأنّ رئيس هذا العالم) قد دين. إنّ لي أمور كثيرة أيضاً لأقول لكم، ولكن لا تستطيعون أن تحتملوا الآن، وأمّا متى جاء ذاك (روح الحق) فهو يرشدكم إلى جميع الحق؛ لأنّه لا يتكلّم من نفسه، بل كل ما يسمع يتكلّم به).

فهذا عيسى (ع) يبشري في الإنجيل الذي تعترفون به وتقرّونه، فأنا الرسول المعزّي لأنبياء الله ورسله، إنّ كنتم تبعثون عن الحق فهذا هو الحق قد جاء.

سوال ۲۵: مايليد در خصوص چه مطلب ديگري صحبت كنيد؟

جواب: مايلم ملت مسيحي را در آمريكا و غرب مخاطب قرار دهم:

شما اي كساني كه منتظر عيسي (عليه السلام) هستيد آيا گفتار عيسي (عليه السلام) را در انجيل نخوانده ايد؟ «۵ اما الان نزد فرستنده خود مي روم و كسي از شما از من نپرسد به كجا مي روي ۶ وليكن چون اين را به شما گفتم، دل شما از غم پُر شده است ۷ و من به شما راست مي گويم كه رفتن من براي شما بهتر است؛ زيرا اگر نروم تسلي دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما مي فرستم ۸ و چون او آيد، جهان را بر گناه و عدالت و داوري ملزم خواهد نمود ۹ اما بر گناه؛ زيرا آنها به من ايمان نمي آورند ۱۰ و اما بر عدالت، از آن سبب كه نزد پدر خود مي روم و ديگر مرا نخواهيدديد ۱۱ و اما بر داوري، از آن رو كه بر رئيس اين جهان حكم شده است ۱۲ و بسيار چيزهاي ديگر نيز دارم كه به شما بگويم، ولي الان طاقت تحمل شان را نداريد ۱۳ ولي هنگامي كه او يعني روح راستي آيد، شما را به جميع راستي هدايت خواهد كرد زيرا كه از خود تكلم نمي كند بلكه فقط به آنچه شنيده است سخن خواهد گفت».^(۱۱)

اين عيسي (عليه السلام) است كه به من اشاره مي نمايد آن هم در انجيلي كه به آن اعتراف مي كنيد و آن را مي خوانيد. من، همان فرستاده ي تسلي دهنده ي انبياي خداوند و فرستاد گانش هستم. اگر در جست و جوي حق هستيد، حق آمد!

الجواب المنير عبر الأثير (الجزء الثاني)

أجوبة السيد أحمد الحسن (ع)

على الأسئلة الواردة عبر الإنترنت

ق ۱۴۲۸ هـ

تهیه و تنظیم:



صادق شکاری

ذی الحجه ۱۴۴۲ هـ.ق

sadeghshekari۱۰۳۱۳.blogspot.com

sadeghshekari.over-blog.com

t.me/Sadeghsansary

sadeghshekari.com

sadeghshekari.blog.ir

جهت آشنایی با دعوت سید احمدالحسن علیه السلام به تارنمای رسمی مراجعه نمایید:

almahdyoon.co

مطالب مرتبط :

[دانلود بیانیه‌های سید احمدالحسن \(ع\)](#)

[دانلود خطبه‌ها و سخنرانی‌های سید احمدالحسن \(ع\)](#)

[دانلود کتاب‌های سید احمدالحسن \(ع\)](#)

[دانلود مجموعه کتاب‌های پاسخ‌های روشنگرانه \(جواب المنیر\)](#)